

رویکرد دولت اردوغان در خصوص مسئله کردها: از سرکوب تا گفت‌وگو

علی باقری دولت‌آبادی^۱

چکیده

از زمان تأسیس ترکیه، مسئله‌ی هویت‌یابی متمایز کردها از ترک‌ها و تأکید بر استقلال، یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی دولت‌های گوناگون در این کشور بوده است. همه‌ی دولت‌هایی که تا پیش از حزب عدالت و گسترش در این کشور بر سر کار آمدند، از رویکرد سرکوب کردها استفاده کردند؛ دولت اردوغان نخستین دولتی بود که روند گفت‌وگو با کردها را در سال ۲۰۰۲م آغاز کرد. با این حال، این سیاست چندان نپایید و از سال ۲۰۱۵م به بعد، باز هم سیاست سرکوب در دستور کار قرار گرفت. بدین ترتیب، باید گفت رویکرد دولت اردوغان بین دو گزینه‌ی گفت‌وگو و سرکوب در نوسان بوده است. پرسش اصلی مقاله این است که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رویکرد دولت اردوغان به کردها چیست؟ برای پاسخ به پرسش فوق از نظریه‌ی جیمز روزنا و روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، تاریخی و فرهنگی در داخل ترکیه و تحولات منطقه و نظام بین‌الملل در بیرون این کشور بر رویکرد دولت اردوغان تأثیرگذار بوده است. عواملی که هرگونه چشم‌انداز صلح و گفت‌وگو با کردها را تیره و ناامیدکننده می‌سازد.

واژگان کلیدی: ترکیه، دولت اردوغان، کردها، گفت‌وگو، سرکوب.

۱. استاد روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. abagheri@yu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-4584-0870>.

۱. مقدمه

مسئله‌ی کردها در ترکیه، همواره، یکی از چالش‌های اساسی این کشور پس از تأسیس نظام جمهوری در سال ۱۹۲۳م بوده است. کردها، که اقلیت قومی در ترکیه شناخته می‌شوند، همواره، با سیاست‌های ناسیونالیستی و یکسان‌سازی هویتی دولت‌های گوناگون ترکیه روبه‌رو بوده‌اند. از زمان تأسیس جمهوری، دولت‌های گوناگون به جای پذیرش هویت کردها، سیاست‌های سرکوبگرانه‌ای را در برابر آنان اتخاذ کرده‌اند که منجر به بروز تنش‌ها و درگیری‌های طولانی‌مدت با این اقلیت قومی شده است. در سال ۱۹۹۲م، تورگوت اوزال، رئیس‌جمهور وقت، برای نخستین بار، واقعیت وجود مسئله‌ی کردها را به رسمیت شناخت و بر این مسئله تأکید کرد که این مسئله باید از طریق رویکردهای سیاسی و اجتماعی حل شود، نه با اقدامات نظامی (Efgil, 2011: 27)، ولی پس از مرگ اوزال، این اصلاحات متوقف شد تا اینکه حزب عدالت و گسترش به رهبری رجب طیب اردوغان با وعده‌ی حل مسئله‌ی کردها و پایبندی به دموکراسی به قدرت رسید. این حزب تلاش‌هایی برای شناسایی هویت و فرهنگ کردها انجام داد که شامل مذاکرات صلح در سال ۲۰۰۳م و برنامه‌های گشایش دموکراتیک با هدف عادی‌سازی و امنیتی‌زدایی از مسئله‌ی کرد و فراهم‌سازی راه‌حلی با وسایل دموکراتیک و مدنی در سال ۲۰۰۹م می‌گردید (Celep, 2013: 110).

افتتاح نخستین کانال تلویزیونی کردی دولتی، با عنوان تی.آر.تی-۶ به دست دولت و اعزام گروه از پیشمرگه‌های کرد در قالب «سفیران صلح» در سال ۲۰۰۹م به ترکیه، برخی از اقدامات دو طرف برای رسیدن به صلح در این باره بود (Tekdemir, 2016). در واقع، اصلاحاتی که از سال ۲۰۰۲م آغاز شده بود، تا سال ۲۰۱۴م روند خوبی را پیمود. هنگامی که روند صلح در ژانویه ۲۰۱۳م آغاز شد، بسیاری از کردها

بر این باور بودند که اردوغان و رهبر حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، عبدالله اوچالان، برای پایان دادن به خشونت به توافق خواهند رسید. با وجود این، مذاکرات در نهایت نتوانست صلحی پایدار بین طرفین ایجاد کند. یکی از دلایل این ناکامی، تصمیم حزب دموکراتیک خلق‌ها^۱ برای شرکت در انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵م در قالب حزب بود؛ امری که خوشایند اردوغان نبود و آن را مانعی برای راهیابی نامزدهای معرفی شده‌ی حزب عدالت و گسترش در مناطق کردنشین برای ورود به پارلمان می‌دانست. صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها، استدلال می‌کرد که روند صلح تنها در صورتی موفق خواهد بود که حزب عدالت و گسترش این حزب را یکی از بازیگران سیاسی بداند و منافع سیاسی برای آن در نظر بگیرد و نه اینکه آن را از ورود به پارلمان بازدارد. در پایان روز انتخابات، حزب دموکراتیک خلق موفق شد هشتاد کرسی در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵م به دست آورد. موفقیت این حزب، ترکیب پارلمان را تغییر داد و حزب عدالت و گسترش برای نخستین بار از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲م، اکثریت پارلمان را از دست داد. پس از شکست انتخاباتی حزب عدالت و گسترش، درگیری‌ها بین نیروهای امنیتی ترکیه و پ.ک.ک دوباره در تابستان ۲۰۱۵م آغاز شد. این نخستین باری نبود که دو طرف در حل مسئله‌ی کردها از طریق فرایندی صلح‌آمیز با شکست روبه‌رو می‌شدند. ذهنیت بازی با حاصل جمع صفر، نبود برنامه‌ی جایگزین برای شکست‌های احتمالی، (Insight Turkey, 2017) اهداف غیرواقعی دو طرف در خصوص نتایج مذاکرات، فقدان ضمانت‌های حقوقی درباره‌ی تعهدات و برگ برنده دانستن مذاکرات برای پیروزی در بازی‌های سیاسی داخلی، از مواردی بود که این ناکامی را تشدید کرد؛ از این رو، خیلی زود مخالفت تزلزل‌ناپذیر دمیرتاش با اقتدارگرایی اردوغان، او را به دشمن سیاسی تبدیل کرد که منجر به محکومیت شدید او به ۴۲ سال زندان شد که از نوامبر ۲۰۱۶م آغاز گردید. (DW, 2024)

۱. Halkların Demokratik Partisi, HDP.

با وجود شکست مذاکرات و فرایند آشتی، تلاش‌ها برای رسیدگی به این مناقشه‌ی طولانی همچنان باز است و در آخرین ابتکار مطرح‌شده در این باره، حزب جنبش ملی‌گرای افراطی ناسیونالیست،^۱ به رهبری دولت باحچلی،^۲ به اردوغان پیشنهاد داده است که به عبدالله اوچالان، رهبر جدایی طلب حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در صورت دست کشیدن از خشونت، آزادی مشروط اعطا نماید؛ اقدامی که اردوغان آن را «شجاعانه و عاقلانه» خوانده است (ABC News, 2024). این پیشنهاد در شرایطی مطرح شده است که از سویی، اردوغان در داخل کشور با بحران جدی اقتصادی (تورم شصت درصدی) و کاهش حمایت هواداران و از سوی دیگر، از دست رفتن محبوبیتش در پایتخت‌های غربی روبه‌روست. آغاز ابتکار جدید صلح با کردها می‌تواند بار دیگر وجهه‌ی او را، به ویژه در اروپا، تقویت کند و به طور بالقوه برخی از حمایت‌های بین‌المللی را بازگرداند. در حالی که باحچلی خود را تسهیل‌کننده‌ی این روند معرفی می‌کند، رویکردهای اردوغان در این باره به شدت متناقض است. وی از سویی، خود را مشتاق گفت‌وگو نشان می‌دهد و از سوی دیگر، شهرداران حزب دموکراسی^۳ را، که حزبی طرفدار کردها به شمار می‌رود، در شهرهای جنوب شرقی برکنار کرده و شهردار اصلی حزب جمهوری‌خواه خلق در استانبول را به اتهام ارتباط با شبه‌نظامیان گُرد بازداشت نموده است. همزمان، دادستان‌های ترکیه پژوهش‌هایی در مورد شهرداران حزب جمهوری‌خواه خلق استانبول و آنکارا آغاز کرده‌اند که می‌تواند به بدبینی‌ها درباره‌ی سیاست گفت‌وگو و آشتی دامن بزند. با نگاه به تحولات فوق، این پرسش مطرح می‌گردد که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رویکرد دولت اردوغان درباره‌ی کردها چیست؟ برای پاسخ به پرسش فوق از روش توصیفی - تحلیلی و

۱. Ultra-nationalist Nationalist Movement Party (MHP)

۲. Devlet Bahçeli

۳. Democracy Party

شیوهی گردآوری داده به صورت کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تحولات ترکیه در دو دهه‌ی اخیر یکی از موضوعات جذاب برای پژوهشگران حوزه‌ی خاورمیانه بوده است. در این پژوهش‌ها به ابعاد گوناگون سیاست‌های دولت اردوغان توجه شده است. در پژوهش‌های داخلی باقری دولت‌آبادی و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳ش) به بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و گسترش، احمدی و همکاران (۱۳۹۰ش) به مطالعه‌ی سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و گسترش، محرابی و غم‌پور (۱۳۹۰ش) به عوامل مؤثر بر واگرایی کردها و چنگی‌زاده و آثارتمر (۱۳۸۸ش) به تحركات قومی کردها و امنیت ترکیه پرداخته‌اند. در پژوهش‌های خارجی، گونتر (۲۰۱۴م) به علل متوقف شدن فرایند صلح دولت ترکیه با کردها پرداخته است. وی شرایط کنونی را برای جامعه‌ی ترکیه بغرنج می‌داند و معتقد است در ترکیه، تنها دولتی کاملاً دموکراتیک می‌تواند رابطه‌ی بین ترک‌ها و کردها را بهبود ببخشد. چلیک (۲۰۰۸م) نیز عامل اصلی مناقشه بین کردها و ترک‌ها را به رسمیت نشناختن حقوق بنیادی اقلیت جامعه‌ی گرد می‌داند. سومر^۱ (۲۰۰۴م) در مقاله‌ی مناقشه‌ی کردهای ترکیه: تغییر زمینه و پویایی داخلی و بین‌المللی، به بررسی ظهور هویت گردی و واکنش‌های ناسیونالیسم ترک می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه نگرش‌های ناسیونالیستی افکار عمومی را بر ضد خودمختاری و حقوق کردها شکل داده است. پژوهش بایسو و کوسکان^۲ (۲۰۱۸م) نحوه‌ی تفسیر پاسخ دهندگان کرد و ترک را از

۱. Somer

۲. Baysu & Coskan

آشتی تجزیه و تحلیل می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که واکنش‌های ترکیه بیشتر منعکس‌کننده دیدگاهی مبتنی بر وحدت است که یکپارچگی ملی را بر حقوق کردها اولویت می‌دهد. این امر نشان‌دهنده تأثیر شدید احساسات ناسیونالیستی در شکل دادن به نگرش عمومی درباره‌ی تلاش‌های آشتی جویانه است. گزارش منتشر شده در سال ۲۰۲۴م با عنوان «تلاش ترکیه در زمینه‌ی آشتی در خاورمیانه» به بررسی ابتکارات آشتی ترکیه در خاورمیانه می‌پردازد و تأکید می‌کند که همکاری بر ضد خودمختاری کردی در سوریه، عامل کلیدی در تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه است. این گزارش نشان می‌دهد که در حالی که ترکیه به دنبال گسترش روابط با کشورهایمانند سوریه است، تمرکز اصلی آن همچنان بر تضعیف خودمختاری سیاسی کردها است. این مبارزه‌ی مداوم، چشم‌اندازهای آشتی با گروه‌های کردی را در ترکیه پیچیده می‌کند، زیرا دولت راه‌حل‌های نظامی را بر تعاملات دیپلماتیک ترجیح می‌دهد (Çevik, 2024). مرور آثار فوق نشان می‌دهد با وجود پرداختن به ابعاد گوناگون بحران سیاسی کردها در ترکیه، همچنان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تصمیمات سیاسی دولت ترکیه درباره‌ی محل ابهام و پرسش است؛ از این رو، مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا این ضعف علمی را پوشش دهد.

۳. چارچوب نظری

یکی از نظریه‌های مطرح در خصوص شیوه‌ی تصمیم‌گیری دولت‌ها، نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا است. طبق نظریه‌ی روزنا، در تصمیم‌گیری سیاسی، دلیل رفتار سیاسی حکومت‌ها در مجموعه‌ای شامل عوامل پنجگانه متغیر فرد، متغیر نقش، متغیر دیوان‌سالاری حکومتی، متغیر جامعه و متغیر نظام بین‌الملل توضیح داده می‌شود. به نظر می‌رسد جامعیت این نظریه و پوشش نقش دو دسته عوامل داخلی و خارجی بر تصمیمات سیاسی دولت‌ها می‌تواند به فهم رفتار ترکیه در خصوص کردها کمک نماید. به همین منظور، در ادامه، ابتدا مقصود از این عوامل پنجگانه تشریح و

سپس در قالب آن موضوع اصلی پژوهش پی گرفته می شود.

۱-۳. فرد: متغیر فرد عبارت است از ویژگی های انحصاری تصمیم گیرندگان که شامل ویژگی های اخلاقی، رفتاری، تجارب، دانش، استعدادها، ارزش ها، باورها، روحیات و خلق و خوی آنها می گردد. روزنا بر این باور است که خصایص فرد بیشتر در کشورهای گسترش نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح می گردد که فاقد نقش های سازمان یافته و نهادهای بوروکراتیک هستند. همچنین در جوامعی که رهبران آن کمتر تحت نفوذ افکار عمومی و گروه های بانفوذ قرار دارند، این متغیر پررنگ است (Rosenau, 1971: 109-108).

۲-۳. نقش: علاوه بر ویژگی های فردی و انحصاری، افراد در سمت حکومتی و جایگاه دولتی خود، همواره، واکنش های متفاوتی از خود بروز می دهند. جایگاه افراد در ساختار حکومتی، وظایف و مسئولیت های قانونی، حوزه و دامنه ی اختیارات، محدوده ی انتظارات و... بر نگرش آنان از جهان و تصمیم گیری در عرصه ی سیاست خارجی تأثیر می گذارد؛ روزنا این متغیر را «نقش» می نامد (۲: ۱۹۹۶، Rosenau).

۳-۳. دیوان سالاری حکومتی: مقصود از دیوان سالاری حکومتی، آن جنبه هایی از ساختار حکومتی است که گزینه های سیاست خارجی را محدود می سازد یا افزایش می دهد. تأثیر رابطه قوه ی مجریه و قوه ی مقننه در سیاست خارجی، نمونه ای از عملیاتی شدن متغیر حکومتی است. روند تصمیم گیری در نظام های باز، بسته یا ترکیبی از هر دو، همواره، متفاوت بوده، از الگوهای متنوعی پیروی می کند. براساس این، در نظام های باز اگر چه روند تصمیم گیری، کند است، ولی نظام بوروکراسی فوق العاده به تخصصی شدن تمایل داشته، با گذراندن مراحل خاص خود، به نتایج دقیق تری دست می یابد.

۴-۳. جامعه: این متغیر به آن دسته از جنبه های غیر حکومتی جامعه اشاره دارد که بر رفتارهای دولت تأثیر می گذارد. جهت گیری های ارزشی عمده ی جامعه، میزان وحدت ملی، میزان صنعتی شدن، گروه ها، انجمن ها و سازمان های غیردولتی،

متغیرهایی است که در تعیین محتوای آرمان‌ها و سیاست‌های خارجی هر کشور مشارکت دارد (Rosenau, 1971: 108-109). این عوامل مانند دیگر متغیرها، به نوع جوامع از نظر سنتی یا مدرن بستگی داشته، گاه از رویه‌های متضاد و متناقضی پیروی می‌کنند.

۳-۵. **نظام بین‌الملل:** دولت‌ها در روند تصمیم‌گیری از محیط بین‌الملل نیز تأثیر می‌پذیرند و واکنش به این نظام در محاسبه‌ی تصمیم‌گیرندگان منظور می‌گردد. نظام بین‌الملل شامل قطب‌بندی‌های گوناگون شامل طیفی از نظام‌های بازدارندگی، موازنه‌ی قدرت یا توازن وحشت است و به بیانی دیگر، شامل جنبه‌های انسانی و غیرانسانی محیط خارجی هر جامعه یا هر کنشی است که در خارج روی می‌دهد و گزینه‌های سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان را مشروط می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد (Roseau, 1971: 108-109).

به اعتقاد روزنا، در کشورهای مختلف میزان نفوذ هر یک از عوامل چهارگانه داخلی و عامل محیط بین‌الملل، در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی فرق می‌کند. به نظر روزنا، میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد؛ قدرت بازیگر، که کشورها را به دو دسته بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند؛ وضعیت اقتصادی بازیگر، که کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه‌نیافته جدا می‌کند؛ ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی؛ رخنه‌پذیری و یا رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگی و در نهایت، حوزه‌های موضوعی گوناگون (Roseau, 1971: 96-97). طبق توضیحات روزنا، باید ترکیه را در رده‌ی بازیگران بزرگ گسترش نیافته به شمار آورد که متغیر فرد، نقش، حکومت، نظام بین‌الملل و جامعه به ترتیب بیشترین تأثیر را در تصمیم‌های آن ایفا می‌کند. در ادامه، چگونگی تأثیرگذاری این متغیرها در ترکیه و در دوران ریاست جمهوری اردوغان بررسی می‌گردد.

متغیرهای فردی شامل ویژگی‌ها، برداشت‌ها، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوهی تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرندگان می‌شود. با وجود اینکه به نظر می‌رسد متغیر فرد تأثیر کمی در تصمیم‌های حزب عدالت و گسترش و ساختار قدرت ترکیه دارد، نوع خاص دموکراسی حاکم بر این کشور اثرگذاری این متغیر را برجسته می‌کند. دموکراسی در ترکیه به صورت مدل از بالا به پایین اعمال می‌شود و به همین دلیل، همواره، با چالش‌های خاص و مخالفت نیروهای مخالف روبه‌روست که احتمال بازگشت به اقتدارگرایی را در کنار تحکیم دموکراسی افزایش می‌دهد (مطلبی و زمانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). اگر چه نظام سیاسی ترکیه دموکراسی برشمرده می‌شود، ولی بیشتر در خدمت تثبیت قدرت دولتمردان و اقتدارگرایی آنها بوده است. امروزه، ترکیه بیشتر شبیه به نظام اقتدارگراست که براساس فردمحوری شکل گرفته است و نمونه‌های مشابهی در خاورمیانه دارد (Cook, 2016). از سال ۲۰۰۲م، که حزب عدالت و گسترش به قدرت رسید، رجب طیب اردوغان شخصیت برجسته‌ی سیاسی ترکیه بوده است. او از سال ۲۰۰۳م تا ۲۰۱۴م در مقام نخست‌وزیری و از سال ۲۰۱۴م به بعد در مقام ریاست جمهوری فعالیت کرده است (Weis, 2017). قدرت اردوغان در تاریخ جمهوری ترکیه در حدی است که می‌توان او را پس از آتاتورک، مقتدرترین فرد این کشور به شمار آورد.

ویژگی‌های شخصیتی اردوغان به طور شایان توجهی بر شکست روند آشتی با کردهای ترکیه تأثیر می‌گذارد. سبک رهبری او، که با اقتدارگرایی، لفاظی‌های تقابلی و فقدان خط مشی ثابت مشخص می‌شود، محیطی را ایجاد کرده است که بیشتر با گفت‌وگوهای سازنده بیگانه است. عصبانیت و اقتدارگرایی، دو وجه بارز رفتار اردوغان است که پیامدهایی برای رویکرد او به مسئله‌ی کردی دارد. تمایل او به اولویت دادن به قدرت شخصی بر فرایندهای دموکراتیک به فضای سیاسی منجر شده است که در آن هیچ‌گونه مخالفتی تحمل نمی‌شود. این رویکرد اقتدارگرایانه، فضایی از ترس و بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و رهبران کرد را برای شرکت در مذاکرات بدون

ترس از واکنش یا سرکوب ناامید می‌سازد (Jenkins, 2009).

همچنین لفاظی‌های تقابلی اردوغان سبب بیگانگی بیشتر مردم گرد شده است؛ برای نمونه، وی در سال ۲۰۰۸م، در سخنرانی در دیاربکر، گستخانه اظهار داشت که کردهایی که در ترکیه ناراضی هستند، باید کشور را ترک کنند. چنین اظهاراتی که انعکاس احساسات افراطی ناسیونالیستی است، هرگونه تلاش برای آشتی ملی را تضعیف می‌کند. تمایل وی به آمیختن تهدید و توهین در هنگام پرداختن به حقوق کردها، سبب تشدید تنش‌ها و تقویت برداشت‌های منفی در میان کردها در مورد تعهد او به حل مسائل کردها شده است. نمی‌توان نقش مشاوران اردوغان را در این خصوص نادیده گرفت. حضور مشاوران ناسیونالیست تندرو در اطراف وی، به شکست تلاش‌های آشتی بین دولت ترکیه و نمایندگان کرد انجامیده است. مقاومت آنان در برابر به رسمیت شناختن حقوق کردها یا مشارکت در گفت‌وگو، گزینه‌های اردوغان را برای پیگیری رویکردی متعادل که می‌تواند به نارضایتی کردها رسیدگی کند، محدود می‌کند (Ozeren, 2024).

افزون بر این، سیاست اردوغان در قبال کردها، همواره، ناسازگار بوده و بین دوره‌های درگیری و خصومت آشکار نوسان داشته است. در حالی که وی، در ابتدا، خود را متمایل به پرداختن به حقوق کردها از طریق ابتکاراتی مانند روند آشتی (۲۰۱۵-۲۰۱۳م) نشان داد، این تلاش‌ها به طور ناگهانی در میانه‌ی افزایش خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ترکیه متوقف شد. این بی‌ثباتی در تصمیم‌ها، به احساس بی‌اعتمادی فراگیر در کردها می‌انجامد، تا جایی که آنان احساس می‌کنند که اقدامات اردوغان به جای تلاش‌های واقعی برای آشتی، تاکتیکی برای پیروزی بر رقبای سیاسی در انتخابات است. همچنین باید افزود که امتناع اردوغان از تعامل معنادار با رهبران کرد، به ویژه آنهایی که با حزب جامعه‌ی دموکراتیک طرفدار کردها^۱ در ارتباط هستند،

۱. Pro-Kurdish Democratic Society Party (DTP).

روند آشتی را پیچیده‌تر می‌سازد. اردوغان بارها تأکید کرده است که گفت‌وگوها تنها در صورتی انجام می‌شود که این رهبران، پ.ک.ک را سازمان تروریستی بدانند و محکوم کنند؛ اقدامی که بسیاری از کردها آن را برای پیش شرط مذاکرات غیرمنطقی می‌دانند (Gunter, 2013: 101-111).

۵. متغیر نقش

طبق نظریه‌ی پیوستگی پس از متغیر فرد، متغیر نقش، بیشترین تأثیر را در کشورهای بزرگ گسترش نیافته دارد. منظور از متغیر نقش، تأثیرگذاری پست و مسئولیت بر رفتار مسئولان است. در صحنه‌ی واقعی و عملی جهان سیاست، مورد یاد شده را تنها می‌توان در کشورهای دموکراتیک و قانونمند دید که با وجود چرخش قدرت و تغییر دولت‌ها، تغییرات بنیادین و ناگهانی در عرصه‌ی سیاست خارجی آن کشورها رخ نمی‌دهد. در این کشورها رفتار مقامات در چارچوب قانون تعریف می‌شود و آنها نمی‌توانند از حیطه‌ی وظایف و قدرت خود تجاوز کنند، ولی در کشورهای گسترش نیافته، نقش‌ها بستری فراهم می‌سازند تا افراد بتوانند مطامع شخصی، حزبی، گروهی، قومی و... خود را عملی سازند. (باقری‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۸: ۴۸). تحلیل رفتارهای اردوغان پس از کودتای تابستان ۲۰۱۶م و پیش از آن در سال ۲۰۱۳م در قبال کردها، نشان می‌دهد که مسند نخست وزیری و ریاست جمهوری، محمل‌های قانونی در اختیار اردوغان قرار داده است تا به آنچه آن را درست می‌پندارد، برسد. تفسیر گسترده از مسئولیت‌ها و اختیارات، کنار زدن رقبا و چرخش ناپذیری قدرت در ترکیه تحت زمامداری حزب عدالت و گسترش موجب شده است نهاد دولت، پارلمان، وزارت امور خارجه و دیگر بخش‌های مؤثر نتوانند ضرورت‌های شغلی و مسئولیتی و به عبارتی بهتر، قید و بندهای قانونی و محدودکننده را بر این سیاستمدار کهنه‌کار و اقتدارگرا تحمیل کنند و برعکس نهادهای یادشده به شدت تحت تأثیر سبک رهبری، شخصیت و تجربه‌ی سیاسی - اجتماعی اردوغان قرار گیرند.

رویکرد اردوغان به مسئله‌ی کردستان، همواره، تحت تأثیر نیازهای سیاسی او بوده است تا تعهدات ایدئولوژیک. شباهت‌های بین نگرش اردوغان به مسئله‌ی کردها، که به مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کردهای ترکیه پس از انتخابات ژوئن ۲۰۱۵م اشاره دارد و الگوی امنیتی ارتش ترکیه پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و گسترش در سال ۲۰۰۲م، برخی از پژوهشگران را بر آن داشته است استدلال کنند که اردوغان در این موضوع تسلیم خط فکری ناسیونالیستی شده است. از نظر آنها، توسل به خشونت برای مقابله با مسئله‌ی کردها نشان می‌دهد که چگونه اردوغان انرژی اصلاح‌طلبانه‌ی خود را از دست داده و برای باقی ماندن در قدرت، با تشکیلات سکولار همکاری کرده است. با این حال، برخی دیگر از پژوهشگران استدلال می‌کنند که آغاز روند صلح با کردها و تصمیم اردوغان برای کنار گذاشتن آن، بخشی از استراتژی بوده و هر دو حرکت با هدف تحکیم قدرت وی انجام شده است؛ به عبارت دیگر، وی هیچ تعهدی به صلح، دموکراسی، جنگ و امنیت ملی ندارد (Özpec, 2022).

از دید نخبگان امنیتی ترکیه، نمی‌توان گروه‌های کردی را که حاضر به گفت‌وگو هستند، از گروه‌های تروریستی تمیز داد. به همین دلیل، نخبگان سیاسی در آنکارا، همواره، از مسئله‌ی کردها برای به دست آوردن دست برتر در برابر رقبای خود در عرصه‌ی سیاسی سوءاستفاده کرده‌اند؛ برای نمونه، حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری مصطفی کمال پاشا، حزب رقیب جمهوری‌خواه ترقی‌خواه به رهبری کاظم کارابکر،^۱ قهرمان جنگ آزادی‌بخش را ممنوع‌الفعالیت کرد و پس از پایان جنگ آزادی‌بخش، انتشار روزنامه‌ها را در استانبول به حالت تعلیق درآورد. سیزر^۲ در این باره استدلال می‌کند که امنیتی شدن مسئله‌ی کردستان به ارتش کمک کرده است دولت‌های غیرنظامی را در دهه‌ی ۱۹۸۰م در موضع ضعف قرار دهد. از نظر وی،

۱. Kazim Karabekir.

۲. Cizre.

ارتش احزاب سیاسی را از دستیابی به راه‌حل‌های خلاقانه برای مسئله‌ی کُردی منع و اتاق سیاست‌گذاری آنها را به رویکردهای امنیتی محدود کرده است (Cizre, 2009).

۶. متغیر دیوان‌سالاری حکومتی

متغیر دیوان‌سالاری حکومتی، سومین متغیر تأثیرگذار بر رفتار کشورهای بزرگ و گسترش نیافته است. این متغیر به ارتباط قوای دولتی و نهادهای قدرت تأثیرگذار در هر کشور می‌پردازد؛ از این رو، برای پی بردن به جایگاه آن ناگزیر هستیم ساختار قدرت در ترکیه را قدری توضیح دهیم؛ حکومت ترکیه از نوع جمهوری ریاستی است. این ساختار از سه قوه‌ی مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شده است. این سه نهاد در کنار ارتش، که ضامن ارزش‌های آتاتورک و سکولاریسم در این کشور به شمار می‌رود، بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌های سیاسی می‌گذارند (Lovell, 2009: 6). نهاد ارتش هر چند در ترکیه دارای قدمت و قدرت بالایی است، ولی کودتای ۲۰۱۶م سبب تضعیف بیش از پیش این نهاد شد. تصفیه‌ای که در ارتش صورت گرفت، نتیجه‌ای جز پیروزی برای اردوغان نداشت، زیرا ارتش تنها نهادی بود که می‌توانست در برابر اقتدارگرایی اردوغان بایستد. کودتای ناموفق سال ۲۰۱۶م بهانه‌ی خوبی برای اردوغان فراهم ساخت تا مخالفان خود را از دستگاه‌های حکومتی، به ویژه دستگاه قضایی، حذف کند. وی ۲۷۴۵ قاضی را به اتهام شرکت در کودتا برکنار کرد که برخی از آنان جزو بالاترین رده‌های قضایی در ترکیه بودند (Cockburn, 2016). اگر چه قوه‌ی قضائیه و اقدامات آن تا سال ۲۰۱۳م مستقیماً نقشی در روابط دولت با کردها نداشته است، ولی همراه شدن آن با اتهامات دولت بر ضد کردها دست آن را برای روی آوردن به گزینه‌های غیردموکراتیک و خشونت‌بار بازگذاشته است. اکنون که این نهاد در حال از دست دادن بیشتر استقلال خود است و با قضاتی از حزب عدالت و گسترش جایگزین می‌گردد، انتظار رویکرد ملایم و غیرخشونت‌بار دولت در قبال کردها، امری دور از ذهن به نظر می‌رسد. مهم‌ترین نهاد حکومتی که می‌تواند به پیشبرد دموکراسی

در ترکیه کمک کند و راه حلی برای مسئله‌ی کردها بیابد، بی‌شک پارلمان است. دولت اردوغان در سال‌های گذشته کوشیده است از راه‌های گوناگون سلطه‌ی خود را بر پارلمان حفظ نماید. یکی از احزابی که در این راه با محدودیت‌های اعمال‌شده‌ی دولت روبه‌رو گردید، حزب دموکراتیک خلق‌ها بود. بسیاری از نمایندگان پارلمانی این حزب، مانند صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسکداغ^۱ دستگیر و زندانی شدند. در واقع، دولت ترکیه دریچه‌ی آشتی را، که از طریق حضور کردها در پارلمان فراهم گردیده بود، بست و بار دیگر به سیاست‌های دهه‌ی ۹۰ در سرکوب کردها بازگشت.

افزون بر دیوان‌سالاری، توجه به نظام سیاسی ترکیه و لایه‌های پنهان قدرت در این کشور، برای فهم ناکامی روند مذاکره با کردها مفید خواهد بود. به طور کلی، نظام سیاسی ترکیه نوعی بی‌اعتمادی به کردها را منعکس می‌سازد و پیوسته کارگزاران آن از رویکردهای سرکوب‌گرایانه حمایت نموده‌اند. بی‌اعتمادی موجود در میان کردها، ریشه‌های تاریخی دارد. زمینه‌ی تاریخی مبارزه‌ی کردها در ترکیه با دهه‌ها سرکوب، انکار هویت و درگیری‌های خشونت‌آمیز شناخته می‌شود. تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳م تحت رهبری کمال آتاتورک، هویت ملی واحدی را در اولویت قرار داد که منجر به سرکوب سیستماتیک فرهنگ و حقوق کردی شد. این امر سبب ایجاد نارضایتی‌های در خور توجهی در جمعیت کرد شده است که با حذف فرهنگی و سیاسی روبه‌رو بوده‌اند. در سال‌های متعدد، چندین قیام کردی به طور خشونت‌آمیز سرکوب شده که به میراثی از بی‌اعتمادی به دولت منجر گشته است.

همچنین فرایند صلحی که بین سال‌های ۲۰۰۹م تا ۲۰۱۵م آغاز شد، نقطه‌ی عطف بالقوه برای حقوق کردی تلقی می‌شد، ولی اردوغان این فرصت را از بین برد. فروپاشی ناگهانی این فرایند به دلیل افزایش خشونت و تغییرات سیاسی، موجب ایجاد شک و تردید گسترده‌ای در میان رهبران کردی به تعهد دولت ترکیه به اصلاحات

۱. Figen Yüksekdağ.

واقعی شد. حوادثی مانند بمب‌گذاری سوروج در سال ۲۰۱۵م، که ناکامی دولت در حفاظت از شهروندان کردی را نشان می‌داد، این بی‌اعتمادی را عمیق‌تر کرد. بسیاری از کردها بر این باورند که مذاکرات گذشته صرفاً حرکات تاکتیکی دولت بود و نه تلاش‌های صادقانه برای رسیدگی به نارضایتی‌های آنها (Savran, 2020: 778). در نتیجه‌ی روند فوق، رهبران کردی بیشتر به صداقت هرگونه ابتکار جدیدی که دولت ترکیه پیشنهاد می‌کند، تردید دارند.

همچنین اقدامات سرکوبگرانه‌ی دولت ترکیه نقش مؤثری در ناکامی تحقق صلح و آشتی با کردها ایفا کرده است. دولت‌هایی که در ترکیه بر سر کار آمده‌اند، پیوسته رویکرد سرکوب را برای پایان مسئله‌ی کردها انتخاب کرده‌اند. عملیات نظامی مداوم بر ضد گروه‌های کردی، به ویژه حزب کارگران کردستان، نشان‌دهنده‌ی ترجیح ترکیه برای راه‌حل‌های نظامی به جای تعامل دیپلماتیک است. از زمان فروپاشی فرایند صلح در سال ۲۰۱۵م، افزایش در خور توجهی در اقدامات نظامی در جنوب شرقی ترکیه و شمال عراق دیده شده است که شامل حملات هوایی و عملیات زمینی بر ضد شبه‌نظامیان کرد می‌شود. این اقدامات منجر به کشته شدن شهروندان کرد می‌شود و جو ترس و خصومت را دامن می‌زند و حسن نیت لازم برای مذاکرات را تضعیف می‌کند (Williams, 2024).

اقدامات سرکوبگرانه تنها به اقدامات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه شامل سرکوب سیاسی احزاب کردی و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی نیز می‌گردد. دولت ترکیه بارها رسانه‌های مرتبط با کردها را تعطیل کرده و تعداد زیادی از سیاستمداران احزاب طرفدار کرد مانند حزب دموکراتیک خلق را بازداشت نموده است (UNHCR, 2023). چنین اقداماتی آزادی بیان را از بین برده و صدای کردها را در فضای سیاسی ترکیه خاموش ساخته است. تکیه بر راه‌حل‌های نظامی، پیام روشنی به جوامع کردی می‌فرستد که نگرانی‌های آنها از طریق گفت‌وگو مورد توجه قرار نخواهد گرفت، بلکه با زور پاسخ داده خواهد شد. این استراتژی تنش‌ها را افزایش می‌دهد و موانع شایان

توجهی برای دستیابی به صلح پایدار ایجاد می‌کند.

۷. متغیر جامعه

از نظر ساختارهای سیاسی - اجتماعی، ریشه‌های شکاف در جامعه ترکیه وجود دارد. شکاف‌هایی که از نظر تأثیرگذاری بر صورت‌بندی و ترکیب، شکاف‌های متراکم نامیده می‌شوند. شکاف‌های اجتماعی موجب تقسیم و تجزیه‌ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌های جدید می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است شکل سازمان‌های سیاسی پیدا کنند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۹۹). ترکیه کشوری است که برای چندین دهه به منظور ایجاد ملت همگن تحت اصول کمالیسم مبارزه کرده و این هدف ملی سبب شده است مشکلاتی در زمینه‌ی به رسمیت شناختن اقلیت‌های قومی ساکن در ترکیه به وجود آید. این اقلیت‌ها خواستار به رسمیت شناخته شدن هستند. آنها القابی همچون ترک‌های کوه‌نشین را نوعی توهین به خود تلقی می‌کنند. آنها گروه کوچکی در میان اکثریت نیستند (Hansen Et.al, 2015: 2-8). جامعه‌ی کردهای ترکیه چیزی بالغ بیش از بیست درصد جمعیت حدوداً هشتاد میلیون ترکیه را تشکیل می‌دهند و در نواحی شرقی و جنوب شرقی کشور ساکن هستند، ولی همان گونه که گفته شد، سراسر تاریخ ترکیه با انکار هویتی کردها گره خورده است. این انکار هویت، کردها را به مبارزه برای کسب درجه‌ای از استقلال تشویق ساخته است. به همین دلیل، قریب یک قرن مبارزه با دولت را در کارنامه‌ی خود ثبت کرده‌اند (Hatem & Dohrmann, ۲۰۱۳: ۵۲). از آن زمان به بعد، زندگی کردها در کنار ترک‌ها وضعیتی پرتنش به خود گرفته است. هر چند قدرت گرفتن حزب عدالت و گسترش و راه پیدا کردن حزب دموکراتیک خلق به پارلمان ترکیه، کورسوی امیدی برای پیشبرد دموکراسی در این کشور فراهم کرد، ولی این امید خیلی زود و با تغییر سیاست اردوغان از دست رفت (Celep, 2016: 166).

با این حال، این مسئله به معنای بسته شدن کامل پنجره گفت‌وگو نیست. در سطح

داخلی، دولت اردوغان تحت فشار برخی گروه‌های ملی‌گرا برای تداوم مذاکرات با کردها قرار دارد. حزب جنبش ملی‌گرای افراطی ناسیونالیست که هم‌پیمان کلیدی برای حزب عدالت و گسترش اردوغان به شمار می‌رود، به تازگی موضع خود را تغییر داده و از ابتکار صلحی حمایت کرده است که شامل احتمال امتیازاتی به رهبران کردی مانند عبدالله اوچالان می‌شود (Genç, 2024).

همچنین رسانه‌های ترکیه معمولاً روایاتی منتشر می‌کنند که کردها را تهدیدی برای امنیت ملی معرفی می‌نمایند. این روایت‌ها بر نگرش عمومی تأثیر گذاشته، سبب تقویت احساسات منفی به فرایند هماهنگی با کردها می‌شود. رسانه‌های ترکیه نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند و بیشتر بر جنبه‌های منفی موضوعات تمرکز می‌کنند. چشم‌انداز سیاسی در ترکیه، به ویژه در مورد مسائل مربوط به کردها، به شدت قطبی شده است. لفاظی‌های ملی‌گرایانه بیشتر بر گفتمان عمومی، به ویژه در دوره‌های انتخاباتی، تسلط دارند و از نظر سیاسی، حمایت از آشستی یا به رسمیت شناختن حقوق کردها را برای رهبران مخاطره‌آمیز می‌سازد (Somers, 2004: 235-253).

افزون بر این، بسیاری از ترک‌ها به دلیل فعالیت‌های مسلحانه‌ی گروه‌هایی مانند پ.ک.ک، در مورد هر گونه مذاکره با کردها احساس خطر می‌کنند. این نگرانی‌ها، به ویژه پس از افزایش خشونت‌ها و حملات تروریستی در سال‌های اخیر تشدید شده است. ترک‌ها غالباً کردها را با تهدیدات امنیتی مرتبط می‌دانند و این امر سبب می‌شود که آنها به فرایندهای صلح و هماهنگی با کردها بی‌اعتماد باشند (Çuhadar, 2019).

آنچه شرایط کنونی جامعه‌ی ترکیه را پیچیده‌تر ساخته، تلاش دولت برای مقصر جلوه دادن کردها در ناآرامی‌های این کشور است. این تحریک افکار عمومی اگر چه ممکن است دست دولت را در کوتاه‌مدت برای برخورد با کردها بازگذارد، ولی راه همزیستی مسالمت‌آمیز با آنها را در بلندمدت در جامعه مسدود می‌نماید.

در بحث ناکامی‌های گفت‌وگو میان دولت اردوغان و کردها، فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه‌گرد را نیز باید مورد توجه قرار داد. این فرهنگ تحت تأثیر تعاملات

پیچیده‌ای از نارضایتی‌های تاریخی، سیاست‌های هویتی و دینامیک‌های اجتماعی - سیاسی قرار دارد که بر کنشگری سیاسی کردها و رابطه‌ی آنها با دولت تأثیر می‌گذارد. این موضوع را از پنج زاویه می‌توان توضیح داد: آرمان‌های سیاسی متنوع، زمینه‌ی تاریخی سرکوب، تأثیر قوم‌محوری و موانع قانونی، چالش‌ها در نمایندگی سیاسی و دینامیک‌های در حال تغییر و چشم‌اندازهای آینده.

نخست اینکه جمعیت کرد در ترکیه دارای طیف گسترده‌ای از آرمان‌های سیاسی را دنبال می‌کند که تحت تأثیر دیدگاه‌ها و نگرش‌های گوناگون به دولت ترکیه قرار دارد. این آرمان‌ها از درخواست‌های مربوط به حقوق فرهنگی و خودمختاری گسترده‌تر تا خواسته‌های شدیدتر برای جدایی کامل را دربر می‌گیرد. درک دولت ترکیه از این خواسته‌ها و تهدید وجودی دانستن آنها، وضعیت سیاسی را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا این دولت به طور تاریخی هویت ملی متمرکزی را حفظ کرده که هویت کردی را به حاشیه می‌رانده است (Krzyżanowska, 2024).

دوم اینکه ریشه‌های مسئله‌ی کردها در ترکیه به تأسیس جمهوری در این کشور بازمی‌گردد که بر اصول ملی‌گرایی قومی بنا شده است. دولت ترکیه در یک قرن اخیر درگیر سرکوب سیستماتیک هویت و حقوق کردها بوده که درگیری طولانی‌مدت، به ویژه با حزب کارگران کردستان، در چهار دهه‌ی گذشته را رقم زده است. این زمینه‌ی تاریخی سبب ایجاد بی‌اعتمادی عمیق در کردها به دولت ترکیه شده و مذاکرات را دشوار ساخته است (Radpey, 2024).

سوم اینکه قانون اساسی ترکیه بر هویت ملی واحد تأکید دارد که هویت‌های قومی دیگر، مانند هویت کردی را نادیده می‌گیرد. مواد موجود در قانون اساسی، این دیدگاه قوم‌محور را تقویت کرده و هرگونه شناسایی معنادار حقوق کردها را دشوار می‌سازد؛ برای نمونه، ماده‌ی ۳ برتری زبان ترکی را اعلام کرده است و اظهار می‌دارد: «دولت ترکیه کل تجزیه‌ناپذیر با کشور و ملت خود بوده، زبان آن ترکی است». ماده‌ی ۴ هرگونه اصلاح این ماده و تغییر جمهوریت و ویوگی‌های آن را ممنوع اعلام می‌کند.

این موانع قانونی به فرهنگ سیاسی کمک می‌کند که صدای کردها و آرمان‌های آنها را به حاشیه براند (Walker, Gill & Curtis, 2021).

براساس نظرسنجی‌ای که بارومتر سوروی^۱ در سال ۲۰۲۲م در ترکیه انجام داد، ۶۷ درصد پاسخ دهندگان خود را کُرد معرفی و ۷۱ درصد به کُرد بودن ابراز افتخار کردند. وقتی از آنها در مورد مسئله‌ی کردی پرسیده شد، ۵۱/۵ درصد وجود آن را تأیید کردند و دلیل اصلی را فقدان رسمیت رسمی هویت کُرد و تبعیض دولت عنوان نمودند. احساس قوی بی‌عدالتی در این گروه همچنان ادامه دارد. تنها ۲۸ درصد از کردها معتقدند که دولت رفتاری مشابه ترک‌ها دارد، در حالی که ۵۸ درصد گزارش داده‌اند که به دلیل قومیتشان تبعیض را تجربه کرده‌اند (Krzyżanowska, 2024: 27). با وجود احساس قوی هویت قومی در کردهای ترکیه، مهارت زبان مادری آنها در بین جمعیت رو به کاهش است. در نظرسنجی فوق، تنها ۳۰ درصد گفتند که مهارت‌های زبان کردی آنها «خوب» است، در حالی که ۳۱ درصد آنها را «متوسط» ارزیابی کردند. این نشان می‌دهد که این زبان از نسلی به نسل دیگر در حال افت است. در میان کسانی که مهارت‌های کردی خود را «خوب» توصیف کردند، تنها ۴۴ درصد گزارش کردند که فرزندانشان مهارت‌های مشابهی داشتند (Krzyżanowska, 2024: ۳۳-۳۷). وضعیت زبان کردی در ترکیه چندان مناسب نیست. اگر چه در نتیجه‌ی آزادسازی سیاسی در دهه‌ی اول حکومت حزب عدالت و گسترش و مذاکرات صلح با پ.ک.ک، دولت سیاست خود را با هدف حذف کامل زبان کردی از زندگی عمومی متوقف کرد؛ با این حال، استفاده از آن محدود است. در پارلمان ترکیه هنگام ایراد سخنرانی به زبان کردی میکروفون نماینده خاموش می‌شود. افزون بر این، بیشتر افراد مسن و شهروندانی که ترکی‌سخن نمی‌گویند، گاهی اوقات از دسترسی به خدمات عمومی محروم می‌شوند (Kolçak, 2016: 26-56).

۱. Barometer survey.

چهارم اینکه احزاب سیاسی کردی با چالش‌های در خور توجهی در کسب کرسی‌های نمایندگی سیاسی روبه‌رو هستند، زیرا متهم به ارتباط با تروریسم و شورش و حذف می‌شوند. بسیاری از احزاب طرفدار کردها یا ممنوع‌الفعالیت شده‌اند یا با محدودیت‌های شدید روبه‌رو گردیده‌اند که توانایی آنها برای فعالیت آزادانه در فضای سیاسی ترکیه را مختل کرده است (Walker, Gill & Curtis, 2021).

پنجم اینکه روندهای انتخاباتی اخیر نشان می‌دهد که مسئله‌ی هویت قومی به تدریج تأثیر خود را در الگوهای رأی‌دهی در میان کردها، به ویژه در مناطق شهری، از دست داده است. این تغییر ممکن است نشان‌دهنده‌ی ناامیدی فزاینده از سیاست‌های سنتی مبتنی بر قومیت و تمایل به مشارکت دموکراتیک گسترده‌تر باشد. با این حال، تقسیمات داخلی درون جنبش کردی تلاش‌ها برای ارائه‌ی جبهه‌ی متحد در مذاکرات با دولت ترکیه را پیچیده می‌کند (Radpey, 2024).

۸. متغیر نظام بین‌الملل

میزان تأثیرگذاری متغیرهای محیطی و بین‌المللی بر رفتار هر کشور به طور مستقیم به میزان قدرت آن کشور بستگی دارد. سیاست خارجی و اهداف منطقه‌ای ترکیه در سه دهه‌ی اخیر، به ویژه در دوره‌ی حزب عدالت و گسترش، شاهد دگردیسی‌هایی بوده است که از آن به نوع‌ثمانی‌گرایی یاد می‌شود (Dolatabadi & Rezaie, 2022: 114-146). رویکرد سیاست خارجی ترکیه متأثر از تحولات منطقه‌ای، وضعیت جغرافیایی، موقعیت ژئواستراتژیک، ژئوپلتیک و حتی ژئواکونومیک برشمرده می‌شود که همواره آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است (Lerner & Dimitreis, ۲۰۰۴: ۳۰-۴۰). بی‌شک، بدون توجه به محیط خارجی نمی‌توان درک درستی از تغییر رویکرد اردوغان به کردها پیدا کرد.

نقش بازیگران خارجی در مذاکرات صلح رهبران کرد با دولت ترکیه، به ویژه تحت رهبری رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان، چندوجهی و تحت تأثیر دینامیک‌های

ژئوپلیتیکی، ثبات منطقه‌ای و منافع ذی‌نفعان گوناگون است. یکی از این بازیگران جدی، امریکا است. ایالات متحده به طور تاریخی نقش مهمی در مسائل کردی، به ویژه در مورد حزب کارگران کردستان و وابستگان آن، ایفا کرده است. احتمال میانجی‌گری ایالات متحده در مذاکرات صلح، به ویژه با تغییرات اخیر در سیاست خارجی این کشور تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ، می‌تواند حیاتی باشد. دولت ترامپ ممکن است ترکیه را به اجتناب از درگیری‌های نظامی بیشتر با نیروهای کرد در سوریه تشویق کند که این امر می‌تواند تسهیل‌کننده‌ی توافقی بین آنکارا و گروه‌های کردی مانند حزب اتحاد دموکراتیک^۱ باشد (Ozeran, 2024).

ترامپ در نخستین دوره‌ی ریاست جمهوری خود، در سال ۲۰۱۹م، ابتدا تصمیم گرفت از سوریه خارج شود. با این حال، وی بعداً این تصمیم را تغییر داد و ترجیح داد حضور نظامی ایالات متحده را در این کشور حفظ کند. واشنگتن از اعلام استقلال کردهای عراق در سال ۲۰۱۷م حمایت سیاسی نکرد. با این حال، روابط گرم خود را با آنها حفظ کرده است (باقری دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۷). این روابط در سال‌های اخیر شامل کردهای سوریه (نیروهای دموکراتیک سوریه) نیز شده است. به نظر نمی‌رسد ایالات متحده قصد چشم‌پوشی از این متحدان خود و بازگذاشتن دست ترکیه برای سرکوب کامل آنها را داشته باشد. این سیاست می‌تواند کار را بر اردوغان دشوار سازد که این گروه‌ها را تروریست و حامی پ.ک.ک می‌خواند.

گذشته از سیاست‌های امریکا، کشورهای اروپایی نیز نگاه و رویکرد مثبتی به سیاست‌های ترکیه در قبال کردها ندارند. آنها فقدان پیگیری جدی روند آشتی و صلح با کردها را یکی از موانع پیش روی ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا برمی‌شمرند (Kalayci, 2024: 1-20). اگر چه در سال‌های اخیر اردوغان امید خود برای عضویت کشورش در اتحادیه اروپا را از دست داده است، ولی برای سرکوب کردها، نگاه

۱. PYD.

سنگین ناظران بین‌المللی و کشورهای اروپایی را بر سر خود احساس می‌نماید. روابط ترکیه با کشورهای همسایه، به ویژه عراق و ایران نیز در نوع سیاست‌های ترکیه به کردها تأثیرگذار بوده است. دولت منطقه‌ای کردستان^۱ در عراق تمایل دارد تا روابط نزدیک خود را با ترکیه حفظ کند. این امر می‌تواند به تثبیت مواضع کردها در مذاکرات کمک کند. افزون بر این، درگیری‌های منطقه‌ای، مانند آنچه بین ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۴م اتفاق افتاد، می‌تواند محاسبات ترکیه را در مورد خودمختاری و حقوق کردها تحت تأثیر قرار دهد (Dalay, 2024). اسرائیل نشان داده است که از نوعی رابطه‌ی پنهان با کردها سود می‌برد و همواره به دنبال بهره‌گرفتن از آن در برابر دشمنانش بوده است. ایران نیز اگر چه استقلال کردها را به رسمیت نمی‌شناسد و مخالف این عمل و هر گونه دست زدن به خشونت برای تحقق آن است، ولی از ضرورت احترام به حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی این گروه قومی دفاع نموده است (باقری دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰-۱۲).

۹. اختلافات سیاسی رهبران کرد در ترکیه برای دستیابی به صلح با دولت

چشم‌انداز سیاسی مربوط به مسئله‌ی کردها در ترکیه پیچیده است و تفاوت‌های شایان توجهی میان رهبران کرد در مورد نحوه‌ی نزدیک شدن به مذاکرات صلح با دولت ترکیه وجود دارد. شخصیت‌های کلیدی شامل صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر پیشین حزب دموکراتیک خلق‌ها^۲ و عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان^۳، رویکردهای گوناگونی برای تحقق خواسته‌ی واحد خود دنبال می‌کنند. استراتژی‌های متفاوت آنها منعکس‌کننده‌ی تقسیمات ایدئولوژیک گسترده‌تری درون جنبش کردهاست. این اختلافات را می‌توان در چهار بعد بررسی کرد: رویکرد به مذاکرات،

۱. KRG.

۲. HDP.

۳. PKK.

درک و برداشت متفاوت از نیت‌های دولت و مبانی ایدئولوژیک.

از نظر سیاسی و نوعی رویکرد به مذاکرات، دمیرتاش از راه‌حل سیاسی حمایت می‌کند که بر گفت‌وگو و آشتی با دولت ترکیه تأکید دارد. وی معتقد است که باید با دولت تعامل کرد تا حقوق کردها از طریق روش‌های دموکراتیک به دست آید و نه از طریق مبارزه‌ی مسلحانه. موضع وی معمولاً شامل پاسخگو بودن دولت در خصوص اقدامات خود و تمایز واضح بین حزب دموکراتیک خلق‌ها و حزب پ.ک.ک است (Chomani, 2023). در مقابل، استراتژی او جالان به شکل تاریخی شامل استفاده از نیروی نظامی برای مذاکره از موضع قدرت بوده است. او خواستار آتش‌بس شده، تأکید می‌کند که هر فرایند صلح باید شامل شناسایی هویت و حقوق کردها و با استانداردهای اروپایی حکمرانی محلی هم‌راستا باشد. رویکرد او جالان نشان‌دهنده‌ی تمایل به مذاکره و همچنین آمادگی برای حفظ مقاومت مسلحانه در صورت لزوم است (Yildiz, 2020).

از نظر درک و برداشت از نیت‌های دولت، دو گروه کردی در دو طیف گوناگون قرار دارند؛ در حالی که دمیرتاش نماینده‌ی جریان‌ی در جنبش کردهاست که حتی با وجود شکست‌های حاصل‌شده در گفت‌وگوهای پیشین همچنان به مذاکرات صلح محتاطانه خوش‌بین است و از حامیان خود می‌خواهد تا در فرایندهای سیاسی مشارکت کنند و آن را در ایجاد تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مفید می‌داند، او جالان به شدت به دولت اردوغان بدبین است (Şar, 2024). او هرگونه پیشنهاد آشتی اردوغان را نوعی ترفند تاکتیکی برای تقویت قدرت می‌بیند و نه تلاش واقعی برای آشتی. این بدبینی ریشه در تجربیات گذشته دارد که در آن، دولت فرایندهای صلح را متوقف یا دستکاری کرده است (Wilgenburg, 2024).

از نظر مبانی ایدئولوژیک نیز ما شاهد تفاوت بین دو گروه کردی هستیم؛ حزب دموکراتیک خلق‌ها تحت رهبری دمیرتاش تلاش کرده است تا خواسته‌های خود را در چارچوبی دموکراتیک لیبرال مطرح کند و حقوقی را که با استانداردهای گسترده‌تر

حقوق بشر هم‌راستا باشد، درخواست کند. از سوی دیگر، سخنان اوجالان بیشتر شامل عناصر ملی‌گرایی و حق تعیین سرنوشت است که بر خودمختاری کردها در ترکیه تأکید دارد (Genç, 2024).

۱۰. نتیجه‌گیری

آینده‌ی صلح و گفت‌وگو بین دولت ترکیه و کردها تیره و تار است، زیرا تردیدهایی جدی میان جوامع کردی و ترکی درباره‌ی صداقت ابتکارات صلح اردوغان وجود دارد. بسیاری از آنها این ابتکارات را تلاش‌هایی برای تحکیم کنترل دولتی به جای تلاش‌های واقعی برای حل مسئله تلقی می‌کنند. زمینه‌ی تاریخی مذاکرات ناموفق گذشته نیز بر این تردیدها می‌افزاید، زیرا فرایندهای پیشین تحت تأثیر بی‌اعتمادی و مانورهای سیاسی تضعیف شده‌اند که هدفشان کسب منافع کوتاه‌مدت بود. برخلاف لفاظی‌های دموکراسی‌سازی مرتبط با روند صلح، این اقدامات نشان می‌دهد که اردوغان ممکن است این دست ابتکارات را به ابزاری برای سرکوب صداهای مخالف و تشدید کنترل بر مراکز عمده‌ی شهری و تثبیت قدرت خود تبدیل کند. این استتباط بیشتر برگرفته از رفتارها و سیاست‌های دولت اردوغان در دو دهه‌ی اخیر بوده است. حزب عدالت و گسترش در سیاست‌های خود درباره‌ی کردها هیچ‌گاه صادق نبوده و با تغییر زمین بازی در داخل و منطقه، رویکرد خود را تغییر داده است. با این حال، موفقیت روند صلح بیشتر به پویایی‌های سیاسی داخلی بستگی دارد تا به عوامل خارجی. مسئله‌ی کردها فراتر از این است که اوجالان از زندان آزاد شود یا اردوغان آرای کافی برای حفظ بقای خود در قدرت داشته باشد. ابتکار موفق صلح، مستلزم اصلاحات اساسی سیاسی - حقوقی است، مانند تقویت قوه‌ی قضاییه‌ی مستقل، لغو قوانین سختگیرانه‌ی ضد ترور و احیای حاکمیت قانون. افزون بر این، این روند باید شفاف و فراگیر باشد و شامل سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، احزاب سیاسی و بازیگران کلیدی مانند دمیرتاش گردد. رویکردهای منفعت‌طلبانه و فردمحوری که اردوغان و

حزب عدالت و گسترش دنبال می‌کنند، تنها به عمیق‌تر شدن تنش‌های سیاسی در این کشور در درازمدت کمک می‌نماید و نه به همگرایی و وحدت ملی.

منابع

۱. احمدی، حمید؛ حاتم‌آبادی‌فراهانی، فاطمه (۱۳۹۰ش)، سیاست داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و گسترش، دانشنامه‌ی حقوق و سیاست، ش ۱۵، ص ۴۲-۱۱.
۲. باقری دولت‌آبادی، علی؛ نوروزی‌نژاد، جعفر (۱۳۹۲ش)، بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه براساس رهیافت سازه‌انگاری، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، ش ۹، ص ۱۳۷-۱۰۵.
۳. باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۸ش)، تبیین علل تغییر رفتار حزب عدالت و گسترش نسبت به کردهای ترکیه براساس نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا، سیاست و روابط بین‌الملل، سال ۳، ش ۵، ص ۶۳-۳۳.
۴. باقری دولت‌آبادی، علی و همکاران (۱۳۹۸ش)، تحلیل مواضع کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در خصوص اعلام استقلال کردستان عراق، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۰، ش ۴۰، ص ۲۳-۱.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۵ش)، جامعه‌شناسی سیاسی، چ ۱۲، تهران: نشرنی.
۶. مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود (۱۳۹۰ش)، سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی، آفاق امنیت، دوره ۴، ش ۱۳، ص ۱۶۲-۱۳۷.
۷. چنگی‌زاده، غلامعلی؛ آثارتمر، محمد (۱۳۸۸ش)، تحولات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه‌ی بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۲، ص ۲۱۸-۱۸۵.
۸. مطلبی، مسعود؛ زمانی، محسن (۱۳۹۲ش)، روند تثبیت و تحکیم دموکراسی در نظام سیاسی ترکیه با تأکید بر حزب اسلام توسعه، جامعه‌شناسی جامعه‌ی اسلام، سال دوم، ش اول، ص ۱۶۴-۱۳۷.
۹. محرابی، علیرضا؛ غم‌پور، احمد (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه، فصلنامه‌ی ژئوپلتیک، سال هفتم، ش دوم، ص ۲۱۳-۱۸۳.

۱. ABC News (۲۰۲۴), "Turkey Removes Two More Pro-Kurdish Mayors from Office for Links to Banned Group", ۲۲ November, <https://abcnews.go.com/International/wireStory/turkey-removes-pro-kurdish-mayors-office-links-banned-۱۱۶۱۴۳۷۳۹>
۲. Baysu, G., Coskan, C. (۲۰۱۸), Reconciliation and Intergroup Forgiveness: The Case of the Kurdish Conflict in Turkey, Turkish Studies, Vol. ۱۹, No. ۵, pp. ۷۴۸-۷۷۲.
۳. Celep, Ödül (۲۰۱۴), "Can the Kurdish Left Contribute to the Turkey's Democratization?" in Insight Turkey, pp. ۱۶۵-۱۸۰.
۴. Çevik, Salim (۲۰۲۴), Turkey's Reconciliation Efforts in the Middle East, International and Security Affairs, SWP Research Paper ۱۰ October, https://www.swp-berlin.org/publications/products/research_papers/۲۰۲۴RP۱۰_Turkey_ReconciliationMiddleEast.pdf
۵. Chomani, Kamal (۲۰۲۳), The PKK's Transformation and Prospects for Peace, Kurdish Peace Institute October ۱۴.
۶. Cizre, Ümit (۲۰۰۹), "The Emergence of the Government's Perspective on the Kurdish Issue," Insight Turkey, pp. ۱-۱۲.
۷. Commission of The European Communities (۲۰۰۴), Issues Arising from Turkey's Membership Perspective, pp ۱ -۵۳.
۸. Cook, Steven A. (۲۰۱۶), How Erdogan Made Turkey Authoritarian Again: <http://www.theatlantic.com/international/archive/۲۰۱۶/۰۷/how-erdogan-made-turkey-authoritarian-again/۴۹۲۳۷۴/>
۹. Çuhadar, Esra (۲۰۱۹), Inclusion and the Kurdish 'Resolution Process' in Turkey, Cuncilation Resources, <https://www.c-r.org/accord/inclusion-peace-processes/inclusion-and-kurdish-%E۲٪۸۰٪۹۸resolution-process%E۲٪۸۰٪۹۹-turkey>
۱۰. Dalay, Galip (۲۰۲۴), Turkey has Emerged as a Winner in Syria but must Now Use its Influence to Help Build Peace, Chatham House – International Affairs Think Tank, <https://www.chathamhouse.org/۲۰۲۴/۱۲/turkey-has-emerged-winner-syria-must-now-use-its-influence-help-build-peace>
۱۱. Dolatabadi, A. B., Rezaei, R. (۲۰۲۲), Erdogan's Endless Dreams: The Theoretical and Operational Framework of Turkey's New Foreign Policy, World Affairs, Vol. ۱۸۵, No. ۱, pp. ۱۱۴-۱۴۶.
۱۲. DW (۲۰۲۴), "Turkey: Pro-Kurdish leader Demirtas Gets ۴۶ Years in Prison", ۱۶ May ۲۰۲۴, <https://www.dw.com/en/turkey-pro-kurdish-leader-demirtas-gets-۴۶-years-in-prison/a-۶۹۱۰۲۸۳۷>.
۱۳. Edgar Şar (۲۰۲۴), The DEM Party and Turkey's Kurdish Issue, Middle East Institute, ۹ July, <https://www.mei.edu/publications/dem-party-and-turkeys-kurdish-issue>
۱۴. Efeğil, Ertan (۲۰۱۱), Analysis of the AKP Government's Policy Toward the Kurdish Issue, Turkish Studies Vol. ۱۲, No. ۱, ۲۷-۴۰.

۱۵. Genç, Özge (۲۰۲۴), The Kurdish Issue Revisited: Türkiye's Complex Road to Peace, Middle East Council on Global Affairs, November, <https://mecouncil.org/publication/the-kurdish-issue-revisited-turkiyes-complex-road-to-peace/>
۱۶. Gunter, M. M. (۲۰۱۳), "The Turkish-Kurdish Peace Process," Georgetown Journal of International Affairs, Vol. ۱۴, No. ۱, pp ۱۰۱-۱۱۱.
۱۷. Hatem, Robert and Dohrmann, Mark (۲۰۱۳), "Turkey's Fix for the "Kurdish Problem Ankara's Challenges" East Quarterly, pp. ۴۹-۵۸
۱۸. Insight Turkey (۲۰۱۷), "Rise and Fall of the AK Party's Kurdish Peace Initiatives", ۱ April ۲۰۱۷, <https://www.insightturkey.com/articles/rise-and-fall-of-the-ak-partys-kurdish-peace-initiatives>.
۱۹. Jenkins, Gareth (۲۰۰۹), The Politics of Personality: Erdogan's Irascible Authoritarianism, <https://www.turkeyanalyst.org/publications/turkey-analyst-articles/item/۱۵۴-the-politics-of-personality-erdogans-irascible-authoritarianism.html>
۲۰. Kalayci, Huseyin (۲۰۲۴), The De-Europeanization of the Kurdish Question in Turkey and the EU, Journal of Balkan and Near Eastern Studies, pp. ۱-۲۰.
۲۱. Kolçak, Hakan (۲۰۱۶), Unfinished Building: Kurdish Language Rights During the First AKP Ruling Period from November ۲۰۰۲ to June ۲۰۱۵, Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe, Vol. ۱۵, No. ۳, pp. ۲۶-۵۶.
۲۲. Krzyżanowska, Zuzanna (۲۰۲۴), The Kurds in Turkey – Waiting for a Turning Point, <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/۲۰۲۴-۱۱-۲۷/kurds-turkey-waiting-a-turning-point>
۲۳. Lovell, David W. (۲۰۰۹), "The challenges for democracy in Turkey", Paper Presented to the ۲۱st IPSA World Congress, Santiago, Chile, pp. ۱-۱۷
۲۴. Ozeran, Suleyman (۲۰۲۴), Domestic and Regional Politics in Turkey's Proposed Kurdish Peace Process, Manara Magazine, December, <https://manaramagazine.org/۲۰۲۴/۱۱/domestic-and-regional-politics-in-turkeys-proposed-kurdish-peace-process/>
۲۵. Ozeren, Suleyman (۲۰۲۴), Erdogan's Reconciliation with Reality: Back to Rapprochement with Assad, Orion Policy Institute, ۲۲ July, <https://orionpolicy.org/erdogans-reconciliation-with-reality-back-to-rapprochement-with-assad/>
۲۶. Özpek, Burak Bilgehan (۲۰۲۲), Can Erdoğan Survive Without the Kurdish Question? Middle East Institute, ۱۱ October, <https://www.mei.edu/publications/can-erdogan-survive-without-kurdish-question>

۲۷. Radpey, Loqman (۲۰۲۴), Kurdistan: A double-edged sword for Turkey, The Loop, <https://theloop.ecpr.eu/kurdistan-a-double-edged-sword-for-turkey/>
۲۸. Rosenau, James, N. (۱۹۷۱), "The National Interest" in: Scientific Study of Foreign Policy, New York: The Free Press
۲۹. Rosenau, James, N. (۱۹۹۶), Powerful tendencies, Startling Discrepancies and Elusive Dynamic: The Challenge of Studying World Politics in a Turbulent Era, Australian Journal of International Affairs, Vol. ۵۰, No. ۱, pp. ۲۳-۳۰
۳۰. Savran, A. (۲۰۲۰), The Peace Process between Turkey and the Kurdistan Workers' Party, ۲۰۰۹-۲۰۱۵, Journal of Balkan and Near Eastern Studies, Vol. ۲۲, No. ۶, pp. ۷۷۷-۷۹۲.
۳۱. Serhun Al (۲۰۲۴), Geopolitics of Kurdish Peace, Carnegie Endowment for International Peace, ۲۰ November, <https://carnegieendowment.org/sada/۲۰۱۴/۱۱/geopolitics-of-kurdish-peace?lang=en>
۳۲. Somer, M. (۲۰۰۴), "Turkey's Kurdish Conflict: Changing Context, and Domestic and Regional Implications," Middle East Journal, Vol. ۵۸, No. ۲, pp. ۲۳۵-۲۵۳.
۳۳. Tekdemir, Omer (۲۰۱۶), Politics of the Turkish Conflict: The Kurdish Issue, <http://www.e-ir.info/۲۰۱۶/۰۴/۱۵/politics-of-the-turkish-conflict-the-kurdish-issue/>
۳۴. UNHCR (۲۰۲۳), Chronology for Kurds in Turkey, ۱۹ May, <https://webarchive.archive.unhcr.org/۲۰۲۳۰۵۲۲۰۹۰۲۲۷/https://www.refworld.org/docid/۴۶۹۴۳>
۳۵. Walker, Nigel, Gill, Julie, Curtis, John (۲۰۲۱), Kurdish Political Representation and Equality in Turkey, <https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cdp-۲۰۲۱-۰۱۷۲/>
۳۶. Wilgenburg, Wladimir Van (۲۰۲۴), Winds of Change: Ankara's Subtle Shifts Towards Reconciliation with Kurdish Elements in Turkey, The Washington Institute, ۲۰ November, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/winds-change-ankaras-subtle-shifts-towards-reconciliation-kurdish-elements-turkey>
۳۷. Williams, J. Connor (۲۰۲۴), Assessment of the Turkish-Kurdish Conflict, ۱۹۸۴-۱۹۹۹, Small Wars Journal, <https://smallwarsjournal.com/۲۰۲۴/۰۶/۱۹/assessment-turkish-kurdish-conflict-۱۹۸۴-۱۹۹۹/>
۳۸. Yildiz, Guney (۲۰۲۰), The Kurdish Movement's Disparate Goals and the Collapse of the Peace Process with Turkey, MERIP, <https://merip.org/۲۰۲۰/۰۸/the-kurdish-movements-disparate-goals-and-the-collapse-of-the-peace-process-with-turkey>